

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل مقایسه‌ای دیدگاه آندرهیل، عرفان‌پژوه انگلیسی معاصر، درباره حیات معنوی و دیدگاه علامه طباطبایی درباره حیات طیبیه انجام شد. سوال اصلی پژوهش، تفاوت دیدگاه‌های آندرهیل و علامه طباطبایی در مورد آثار و اوصاف حیات معنوی است. داده‌ها به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند و از تطبیق دو دیدگاه و تحلیل اطلاعات استفاده گردید. نتایج نشان می‌دهد که گرچه حیات معنوی به زندگی عرفانی و حیات طیبیه به زندگی دینی مرتبط است، اما نقاط اشتراکی نیز دارند. آرامش، رضایت از زندگی و نورانیت دل از جمله آثار و اوصاف مشترک میان حیات معنوی و حیات طیبیه به شمار می‌روند. آندرهیل بیشتر به عشق الهی توجه دارد و نگاه جامع‌تری به اطاعت از رسول ندارد، در حالی که علامه طباطبایی با تکیه بر قرآن، به اطاعت کامل از رسول و پیروی از دستورات الهی اهمیت می‌دهد. همچنین، علامه طباطبایی به چهار عالم توحیدی اشاره می‌کند که نشان‌دهنده درک عمیق‌تری از مباحث توحیدی است. تحلیل تطبیقی این دو دیدگاه نشان می‌دهد که هر دو، با وجود تفاوت‌های عمده، نقاط مشترکی دارند. از سوی دیگر، نقدی به دیدگاه آندرهیل وارد است که به دلیل اتصال کم‌رنگ به منبع وحی و اطاعت از رسول، احتمال انحراف در دیدگاه‌های او وجود دارد. این می‌تواند خطر مهمی باشد که نشان‌دهنده نیاز به توجه بیشتر به مبانی اصلی دینی و وحیانی در مباحث حیات معنوی است.

کلیدواژه‌ها: حیات طیبیه، حیات معنوی، علامه طباطبایی، اولین آندرهیل

مقدمه

۱. طلبه سطح ۴ تفسیر تطبیقی فاطمه الزهرا خوراسگان، مدرس حوزه علمیه زهراپیه نجف آباد.

حیات معنوی و نحوه دستیابی به آن از اساسی‌ترین و مهم‌ترین اندیشه‌ها در حوزه عرفان اسلامی محسوب می‌شود که در عرفان و تعالیم متفکران غربی نیز بررسی شده است. آندرهیل (۱۸۷۵-۱۹۴۱)، عرفان‌پژوه معروف انگلیسی، با نگارش بیش از ۴۰ کتاب و ۳۵۰ مقاله به این حیطه وارد شده است. او با تبیین عرفان مسیحی، به ویژه حیات معنوی، اهمیت و ضرورت آن را در زندگی مطرح نمود که آشفته‌گی مردم، بیشتر به دلیل عدم تمسک به عالم بالا است، جهانی که به زندگی هر کس معنا، جهت و ثبات می‌بخشد. توجه یا غفلت ما نسبت به این عالم یا آن عالم کمال تأثیر در ما دارد.

در حوزه قرآن، یکی از متفکرانی که به خوبی به حیات طیبیه پرداخته است، علامه طباطبایی (۱۳۶۰-۱۲۸۲ ش) می‌باشد. وی ذیل آیات مختلفی در تفسیر معروف خود، المیزان، از حیات طیبیه سخن گفته و نحوه دستیابی به آن را بر اساس مبانی و دیدگاه‌های خویش تشریح کرده است. علامه طباطبایی از عرفانی حمایت می‌کند که دارای معرفت الله بوده و با تهذیب نفس و ریاضت، دل از عشق غیر خدا پاک می‌شود و با ایمان و عمل صالح به کمالات معنوی نائل می‌گردد. تأکید علامه بر ایمان و عمل صالح و اطاعت از نبی است.

در زمینه موضوع اوصاف حیات معنوی از دیدگاه آندرهیل و حیات طیبیه از دیدگاه علامه طباطبایی، پژوهشی انجام نشده است، ولی برخی پژوهش‌ها به طور مستقل یا در مقایسه با صاحب نظران دیگر، موضوع را بررسی کرده‌اند. رحیم‌پور و بیادار (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «چیستی تجربه عرفانی و چگونگی تحقق آن از منظر آندرهیل» به این نتیجه رسیدند که آندرهیل معتقد است که تجربه عرفانی با سیر آفاقی و انفسی قابل تحقق است. حاجی صادقی و بخشیان (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «مفهوم‌شناسی و حقیقت یابی حیات طیبیه از منظر قرآن» نتیجه‌گیری کردند که حیات طیبیه، حیات حقیقی انسانی است که حیات دنیوی بستر آن بوده و حیات اخروی تبلور آن است. حسینی‌زاده (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «ماهیت و مراحل سلوک عرفانی: بررسی تطبیقی نظرگاه امام خمینی (ره) و اولین آندرهیل» به این نتیجه رسید که هر دو در جهت این هدف مشترک تلاش کرده‌اند که عرفان به زبانی در خور فهم مردم عادی بیان شود تا بتواند همه انسان‌ها را شامل شود.

در این پژوهش، پس از ذکر مصادیق نظرات علامه طباطبایی درباره آثار و اوصاف حیات طیبیه و آندرهیل درباره آثار و اوصاف حیات معنوی، به این سوال اساسی پرداخته شده است که دیدگاه آندرهیل، عرفان‌پژوه انگلیسی معاصر، درباره آثار و اوصاف حیات معنوی نسبت به دیدگاه قرآنی علامه طباطبایی به حیات طیبیه چگونه است؟

حیات، از نظر لغوی به معنای زندگی و زنده بودن است (راغب، ۱۴۰۴، ص ۲۶۹). طیبه یا طیب در لغت، به معنای پاک و پاکیزه است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۶۳). علامه طباطبایی بیان می‌کند که علت اینکه قرآن آن زندگی را با وصف طیب توصیف فرموده، این است که این حیات خالص و بی‌خباثت است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۹۴).

معرفت و عرفان نیز به معنای درک کردن و دریافتن چیزی است که از روی اثر و با اندیشه و تدبر باشد. این واژه اخص از علم و ضد آن انکار است (راغب، ۱۴۰۴، ص ۴۷۷). خانم آندرهیل عرفان را نائل شدن به مقام فرزانی می‌داند، هنری که در پرتوی آن، عارف به حقیقت یگانگی واصل شده است یا در پی این اتحاد و باورمند به آن است. وی عارف را کسی می‌داند که کم‌وبیش به آن اتحاد رسیده باشد، به‌طور کامل به سمت خدا می‌رود و جلا می‌یابد. روح هر آنچه را که مخالف اراده الهی است از خود دور می‌کند و با عشق در خدا دگرگون می‌شود. در واقع عارفان برای تکامل حیات معنوی به سیروسفر می‌پردازند. خانم آندرهیل عرفان عملی را به زبان رایج‌تر سلوک می‌نامد. وی می‌نویسد: عرفان عملی ظرفی است که چیزها را آن‌گونه که هستند، نشان می‌دهند (Underhill، 1920، ص ۸).

عمده مذهب عرفانی مسیحی، به‌ویژه در عرفان متأخر غرب، تأکید خود را بر «تجربه عرفانی» نهاده‌اند. چنانکه عارف را کسی می‌دانند که دست‌کم یک‌بار حال عرفانی را آزموده باشد. حال عرفانی یعنی کشش عشق، دل‌شیدای خدا گردد (رخ شاد، ۱۳۸۰، ص ۲۲۹). واژه عارف در عرف سخن مردم، مخصوص به معرفت خدا و ملکوت و شناخت و معامله نیکوی خدا با بندگان است. آندرهیل عارف را عاشق مطلق معرفی می‌کند، حرکتی قلبی به دنبال فرا رفتن از محدودیت‌های دیدگاه فردی و تسلیم شدن خود به واقعیت نهایی بدون منفعت شخصی است (آندرهیل، ۱۳۹۴، ص ۶۶).

نشانه‌ها و اوصاف ظاهری حیات طیبه و حیات معنوی

تجربه عرفانی مربوط به روان فرد است؛ اما این تجربه روانی آنقدر قوی است که با دقت در فرد نشانه‌هایی در ظاهر او از جمله موارد زیر دیده می‌شود.

الف. آرامش

افراد متعالی، از طمأنینه، ملاطفت و قوت قلب برخوردارند و از هرگونه اضطراب و بی‌قراری ایمن هستند. افراد دارای حیات معنوی به شهود خطاناپذیر و حقیقتی نائل می‌شوند که نفس به واسطه آن آرام و توانا در امور مادی و معنوی می‌شود و از هیاهوهای امیال جسمانی در امان می‌ماند. خانم آندرهیل بر این نظر است که انسان می‌تواند حتی در جنگ آرامش داشته باشد و آرامش را با دیگران به اشتراک بگذارد، به شرطی که همواره یاد و محبت خدا را در دل جای دهد و در قداست و زیبایی خداوند تأمل داشته باشد. وی بیان می‌کند که قلب‌هایی بالا می‌رود که پس از حمد خدا؛ ایمان، امید، نیکوکاری، صبر و عشق از خداوند درخواست می‌نماید و خود را به او می‌سپارد (Underhill، 1976، ص ۱۲۵).

علامه طباطبایی با توجه به آیات قرآن دلیل و ریشه آرامش مؤمن را یقین به قدرت خدا می‌داند؛ چون باور دارد که هیچ‌کس به‌جز خداوند از خود استقلال ندارد و هیچ سببی تأثیرگذار نیست مگر با اجازه خداوند. وقتی کسی به این یقین دست پیدا کند، دیگر از هیچ مشکلی ناراحت یا اندوهگین نمی‌شود و آرامش در سرتاسر زندگی جاری می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۳۰۳).

خداوند در مورد برخورداری از آرامش روحی روانی و خرسندی خاطر می‌فرماید: «وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (انعام: ۴۸). و پیامبران را جز مژده دهنده و بیم‌رسان نمی‌فرستیم پس کسانی که ایمان بیاورند و اصلاح کنند نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. خوف و اندوه از صفات نفس است و مؤمن از حدود نفس سفر نموده و به حدود قلب داخل شده است که هر کس داخل آن شود ایمن می‌شود و خوفش به خشیت و حزن و اندوهش به اشتیاق تبدیل می‌گردد. باز در سوره رعد می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸). کسانی که ایمان آورده‌اند، و دل‌هایشان با یاد خدا آرام می‌گیرد آگاه باشید، که تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد. علامه طباطبایی اطمینان را به معنای سکون و آرامش معنا کرده است، که آدمی با آن دلگرم و خاطر جمع می‌شود. با ذکر خدا آماده و مستعد می‌شود تا مشمول عنایت الهی قرار گیرد. عرفا بیشتر بر این تکیه دارند که تنها دل‌ها با یاد خداوند به همراه انس و عشق از اضطراب آرام می‌گیرند (علاء سجزی، ۲۰۰۷، ص ۳۰).

ظاهراً مبنای آرامش در نظر علامه و آندرهیل یاد خداوند است. روشن است که هر فردی خدای یکتا را قبول داشته باشد و او را یاد کند، چه مسیحی و چه مسلمان، آرامش پیدا می‌کند. طبق نظر خانم اولین آندرهیل فرد معنوی نه تنها اضطراب ندارد بلکه فردی آرام با مهارت‌های جسمی است. دلیلش ستایش خدا، یاد مداوم و سپردن خود به خدا است. شاید بتوان گفت سپردن خود به خدا همراه با یقین است که خدا او را محافظت می‌کند. این باور، ترس را از بین می‌برد و با نظر علامه تا حدودی در یک راستا می‌شود. هرچه یقین بیشتر، آرامش نیز بیشتر است؛ اما این آرامش دنیایی است که شاید یکسان باشد، اما آرامش اخروی چگونه است. خانم آندرهیل خیلی وارد مباحث آخرتی نمی‌شود و در عشق و محبت خدا می‌ماند، در صورتی که علامه با توجه به آیات قرآن علاوه بر عشق و محبت به خدا، ترس از پروردگار را نیز مطرح می‌کند که موجب اعتدال می‌شود.

ب. درک و قوت بالا

خانم آندرهیل بیان می‌کند که زندگی معنوی بخشی از زندگی هر انسانی است و تا زمانی که نفهمیده، انسان کامل نیست و تمام اختیاراتش را در اختیار نگرفته است؛ بنابراین، کارکرد عرفان عملی، افزایش عمل به همراه دارد. کسانی که سعی به عمل دارند، کامل‌تر از همیشه وارد زندگی می‌شوند و جهان را واقعی‌تر می‌بینند و زیبایی ابدی را فراتر از ظاهر دنیا تشخیص می‌دهند. وی بر این نظر است که عرفان دعوت می‌نماید تا قوای نهفته تربیت شود، آگاهی تقویت و روشن گردد، از قیود ظاهری رها شده و به سطوح جدید جهان توجه یابد. پس واقعیت جهان برای همه وجود دارد ولی هر کس به اندازه قوت و خلوص میل خود در آن شرکت می‌کند. (Underhill, 1965, p4). وی انسان روحانی را یک مخلوق جدید معرفی می‌نماید، مثل نوجوان که در موج دیگری از زندگی با میزان انرژی خود زندگی می‌کند. عارف مثل نوجوانی بی‌نهایت معرفی می‌شود که در او نیرویی است (Underhill, 1913, p48)

ریشه این نیرو واصل شدن به حقیقت یگانگی و اتحاد با آن است. (Underhill, 1920, p8) به‌طور کامل به سمت خدا می‌رود و جلا می‌یابد. روح هر آنچه را که مخالف اراده الهی است از خود دور می‌کند و با عشق در خدا دگرگون می‌شود. (Underhill, 1911, p166) با این اوصاف واضح است که شخص واقعاً عاشق و خالی از گناه، قوت و عزت دارد. اما این صفای دل، جوانه و نهال است که اگر بخواهد به درخت پر ثمری تبدیل شود، نیازمند مراقبت و تغذیه است و دین چنین می‌کند که خانم آندرهیل تأکید بر آن ندارد.

کلی می‌یابد که در تمام عوالم، قادر، عالم، سمیع، بصیر و حی یکی است و آن خداوند جل جلاله است و هر موجودی از موجودات به قدر وسعت وجودی خود از آن عالم، قادر، سمیع، بصیر و حی حکایت می‌کند و او را نشان می‌دهد. (طباطبایی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۳) «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» هیچ معبودی جز او نیست. نام مخصوص خداوند به معنای ذاتی است که جامع همه صفات کمال و جلال و جمال است.

عالم چهارم: توحید در ذات

از عالم سوم فراتر است. سالک درمی‌یابد که ذاتی که تمامی افعال، صفات و اسماء به آن مستندند، همان ذات واحد است؛ حقیقتی که همه این‌ها به آن قائم هستند. سالک نگاه خود را به ذات می‌دوزد و دیگر به صفات و اسماء توجه نمی‌کند. این در زمانی است که از وجود عاریتی خود جدا می‌شود و در ذات مقدس خداوند فانی می‌گردد. سالک در هر یک از عوالم چهارگانه‌ی مذکور، بخشی از اثر وجودی خود را از دست داده و گم می‌کند، تا در نهایت به اصل وجود و هستی خود ناپدید می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۳).

از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است: «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ» (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۵۶). از همه مردم برتر و بهتر در پرستش الهی کسی است که با عبادت خدا عشق‌ورزی کند، معانقه نماید، پروردگار را در دل دوست بدارد و با بدن بندگی انجام دهد.

به طور کلی، کسی که در عالم اول به مقام فنای در فعل می‌رسد، متوجه می‌شود که هر عملی که انجام می‌دهد از خداست و به مرحله‌ای می‌رسد که تمامی آثار فعلی خود را از دست می‌دهد. در عالم دوم، وقتی به تجلی صفاتی می‌رسد، درک می‌کند که علم، قدرت و سایر صفات به طور انحصاری به ذات حق سبحانه و تعالی تعلق دارند. در اینجا، صفات خود را از دست داده و دیگر در خود نمی‌یابد. در عالم سوم، وقتی به تجلی اسمائی می‌رسد، درمی‌یابد که عالم و قادر اوست. در اینجا، اسماء خود را از دست داده و دیگر در خود نمی‌یابد. در عالم چهارم، که تجلی ذاتی است، وجود خود را از دست داده و ذات خود را نمی‌یابد و ذات، ذات مقدس خداوند است. این مرحله از شهود، یعنی تجلی ذاتی، توسط عرفا به «عنقا» و «سیمرغ» تعبیر می‌شود؛ موجودی که هرگز صید کسی نخواهد شد. (طباطبایی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۴).

نتیجه

نظر علامه طباطبایی و خانم اولین آندرهیل در نشانه‌ها و اوصاف ظاهری آنجا که ریشه یکی بود تا حدودی شبیه به هم بودند؛ اما چون مبناهای هر دو متفاوت است و ایمان و اعتقاد یکسان نیست، اوصاف و نشانه‌های متفاوت نیز وجود دارد. در قسمت نشانه‌ها و اوصاف شهود و اشراق، از علامه طباطبایی تقسیم‌بندی دقیقی مشاهده شد. از جمله تقسیم به چهار عالم که مختص علامه طباطبایی بود. البته خانم آندرهیل عرفان‌پژوه است، مسلماً با کسی که خودش عارف باشد و مراحل را طی کرده باشد تفاوت وجود دارد. همچنین نورانیت دل در اثر اطاعت کامل از رسول، یکی دیگر از ویژگی‌های مختص علامه طباطبایی است که با تکیه به قرآن بیان می‌کند. خانم آندرهیل این‌گونه نگاهی به جایگاه رسول ندارد و این یکی از اختلاف‌های عمده بین این دو دیدگاه به نظر می‌رسد که دین پیام الهی به بشر از طریق پیامبر است و ارکان اصلی هر دینی ایمان به خدا، وحی و قیامت است. هدف دین سعادت انسان با انجام بایدها و نبایدها است که به واسطه وحی و اطاعت نبی عملی می‌شود ولی عرفان این‌گونه نیست. عرفان حرف از قیامت ندارد در صورتی که این جزء اصول دین است و زمانی که اصول دین مشکل داشته باشد، شهود و آرامش و... نیز حقیقی نیست هر چند به نظر حقیقی جلوه کند همچنین تفاوت‌های عمده بین دیدگاه‌های آندرهیل و علامه طباطبایی را بیان می‌کند. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تفاوت‌های اساسی در مبانی و ریشه‌های اعتقادی این دو دیدگاه است. مقاله به این نکته اشاره می‌کند که آندرهیل بیشتر به عشق الهی توجه دارد و نگاه کامل‌تری به اطاعت از رسول ندارد، در حالی که علامه طباطبایی با تکیه به قرآن و اطاعت کامل از رسول، دیدگاه جامع‌تری را بیان می‌کند.

فهرست منابع

*قرآن کریم،

منابع فارسی

۱. آندرهیل، اولین، حیات معنوی از دیدگاه عرفان مسیحی، معنویت در زندگی هر روزه، سیمین صالح، ۱ جلد، تهران، نشر شور، ۱۳۸۴.
۲. آندرهیل، اولین، عرفان عملی، مائده سادات حسینی زاده، ۱ جلد، چاپ اول، قم، نشر ادیان، ۱۳۹۴.
۳. امین، نصرت مخزن العرفان در تفسیر قرآن، نهضت زنان مسلمان - تهران، ۱۳۶۱ ش.
۴. بحرانی، حسین، علی شیروانی، سلوک عرفانی در سیره اهل بیت (ع)، ۱ جلد، چاپ اول، قم، وثوق، ۱۳۷۹.
۵. رخ شاد، محمدحسین، در محضر علامه طباطبایی پرسشها و پاسخهای اعتقادی، اخلاقی، تفسیری، حدیثی و عرفانی، ۱ جلد، قم، نهاوندی، ۱۳۸۰ ش.
۶. طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، محمد باقر موسوی همدانی چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۷. طباطبایی، محمدحسین، رساله لب‌اللباب در سیر و سلوک اولی‌الالباب (طبع قدیم)، ۱ جلد، چاپ: هفتم، مشهد مقدس، علامه طباطبایی، ۱۴۰۰.
۸. طیب سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴ جلد، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۹. علاء سجزی دهلوی، امیرحسن، رساله مخ المعانی، مصحح: آذر میدخت صفوی، هند، علیگر، انستیتوی تحقیقات فارسی، ۲۰۰۷ م.
۱۰. فلسفی، محمدتقی، الحدیث-روایات تربیتی، ۳ جلد، چاپ: مکرر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۱۱. فیض کاشانی، ملامحسن، منتخب مکاتیب عبدالله قطب، ۱ جلد، چاپ اول، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۷ ش.
۱۲. قرشی، علی‌اکبر، تفسیر احسن الحدیث، ۱۲ جلد، چاپ سوم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش.

۱۳. کلینی، محمد، اصول کافی-ترجمه مصطفوی، ۴جلد، کتاب فروشی علمیه اسلامیة - تهران، چاپ: اول.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، موسوی همدانی، سید ابوالحسن ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، ۲ جلد، چاپ: اول. تهران، کتابخانه مسجد ولی عصر، بی تا.
۱۵. نسفی، عزیزالدین، بیان التنزیل، اجلد، چاپ اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.

منابع عربی

۱۶. ابن عربی ابو عبدالله محیی الدین محمد، تفسیر ابن عربی، دار احیاء التراث العربی - بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق
۱۷. ابن منظور، محمد، لسان العرب، محقق/ مصحح: احمد فارس صاحب الجوائب، چاپ سوم، دار صادر، بیروت- لبنان، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ هـ ق،
۱۸. حجازی، مهدی، علی رضا حجازی و محمد عیدی خسروشاهی، درر الأخبار با ترجمه، ۱ جلد، چاپ: اول، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ۱ جلد، چاپ اول، دمشق بیروت، دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ۳۰ جلد، چاپ دوم، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش
۲۱. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۲۲. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی الفبای عربی - فارسی، تهران، اسلامی، ۱۳۷۵.

منابع انگلیسی

23. Underhill Evelyn(1911).The mysticism: A study in nature and developoment of spiritual Consciousness London.
24. Underhill Evelyn (1913). the mystic may: a psychological study in Christian original London and torento

25. Underhill Evelyn(1920).the essentials of mysticism... London:London. j.m.dent.
26. Underhill Evelyn. (1922). A book of contemplation. Second edition.london: john m. watkinns.
27. Underhill. Evelyn(1965).Practical Mysticism:A Little Book for Normal people London:J
28. Underhill. Evelyn(1976) An anthology of the love of god printed in the united stated of america.

مقاله

۲۹. هنگامه بیادار، «مراقبه در چشم انداز ملاصدرا و اولین آندرهیل»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۱۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵.
۳۰. هنگامه بیادار، فروغ السادات رحیم پور و علی کرباسی زاده، «رمز گشایی از ساز و کار حیات عرفانی از منظر ملاصدرا و آندرهیل» جاوید خرد، شماره ۳۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صفحات ۷۰-۵۱

نرم افزار

۳۱. نرم افزار جامع التفاسیر.
۳۲. نرم افزار جامع الاحادیث.
۳۳. نرم افزار مجموعه آثار علامه طباطبایی
۳۴. نرم افزار عرفان۳.

سایت

اسکن تمام کتابهای انگلیسی اولین آندرهیل

35. <https://archive.org/search.php?query=creator%3A%22Underhill%2C%20Evelyn%2C%201875-1941%22>